

# گسست منظر: چالش اصلی حضور زیرساخت‌های شهری در منظر



کیانوش ذاکر حقیقی، استادیار  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد  
همدان و کارشناس مرکز مطالعات  
و برنامه‌ریزی شهر تهران.  
k.zakerhaghi@gmail.com

سخن مرکز

جهان شهری در قرن بیست و یکم برای استمرار حیات و پویایی خود نیازمند دسترسی به خدمات متنوع است. ارایه این خدمات خود مستلزم ایجاد زیرساخت‌های متنوع و مختلفی است و نیاز روزافزون به ارایه خدمات، گسترش همه‌جانبه این زیرساخت‌های شهری را اجتناب‌ناپذیر کرده است. نگاهی اجمالی به فهرست این زیرساخت‌ها، اهمیت و جایگاه آنها را در شهر و برنامه‌ریزی‌های مرتبط به آن نشان می‌دهد:

- زیرساخت‌های حمل و نقل شامل انواع مختلف خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، زیرگذرها و روگذرها، پایانه‌ها و ایستگاه‌های عمده حمل و نقل عمومی شامل ایستگاه‌های مترو، خطوط ریلی و اتوبوس‌رانی و نیز فرودگاه‌های واقع در محدوده شهرها؛
- زیرساخت‌های ارتباطی شامل دکل‌های مخابراتی، تجهیزات و تأسیسات مخابراتی موجود در داخل بافت شهری، و تجهیزات و تأسیسات تلفن‌های همراه؛

- زیرساخت‌های مرتبط با تأمین منابع حیاتی شهر از جمله:
  - زیرساخت‌های تأمین آب شرب شامل تصفیه‌خانه‌ها، منابع آب سطحی و هوایی؛
  - زیرساخت‌های تأمین الکتریسیته شامل دکل‌ها، کابل‌کشی‌های هوایی و زمینی و پست‌های برق؛
  - زیرساخت‌های تأمین گاز شامل پست‌های تقلیل فشار و سایر تجهیزات مرتبط با آن.

ایجاد هر یک از انواع زیرساخت‌های شهری در دو مقیاس زیرزمینی و روی زمینی، رابطه آن با قلمروها و حوزه‌های مختلف شهری را دچار تحولات و دگرگونی‌های خاصی می‌کند. رابطه میان زیرساخت‌ها و منظر شهری نیز از این قاعده مستثنی نیست. این رابطه‌ای دوسویه است که به بررسی اول، نقش و جایگاه زیرساخت‌های شهری در منظر شهری و دوم، نقش و جایگاه منظر و منظرسازی در برنامه‌ریزی و اجرای این زیرساخت‌ها می‌پردازد. ویژه‌نامه حاضر تلاش می‌کند مدخل و مقدمه‌ای بر این ارتباط دوسویه را ارایه کند.

طبیعی است که گسترش فزاینده زیرساخت‌های شهری، منظر شهری را با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند و بروز این چالش‌ها سبب شده است پژوهش‌گران عرصه‌های مختلف به بررسی مسایل و چالش‌های مختلف و ارایه راه‌حلی‌هایی برای آنها در قبال حوزه منظر شهری بپردازند (برای مثال، ن. ک. Gill, et al., 2002; Schrijnen, 2000; Serrano, et al., 2008).

یکی از چالش‌های اساسی مطرح در این پژوهش‌ها چندپارگی و گسست (Fragmentation) است. گسست در اینجا به معنای کمبود یا فقدان ارتباط و یکپارچگی در منظر شهری و ساز و کارهای مسبب آن و تغییرات ثانویه فرایندهای اکولوژیکی بر اساس آن است (Serrano et al., 2002: 113). بدیهی است گسترش روزافزون زیرساخت‌های شهری عامل اصلی در بروز این پدیده به شمار می‌آید و حضور این زیرساخت‌ها ساختار منظر و متعاقب آن فرایندهای زیست‌محیطی حاکم بر آن را نیز دستخوش تغییرات عمده می‌کند (برای مثال، ن. ک. Saunders et al, 1991; Laurance, 1997). بدین ترتیب، ایجاد محدودیت برای این پدیده، یعنی گسست و چندپارگی، و تلاش برای ادغام و ترکیب زیرساخت‌های شهری در بستری یکپارچه، بر اساس مباحث علمی و همچنین به‌کارگیری ابزارهای مختلف برنامه‌ریزی و ارزیابی از جمله ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) و ارزیابی راهبردی محیط زیست (SEA) و همچنین پژوهش در زمینه چگونگی به‌کارگیری ابزارهای حقوقی و اجرایی ضروری به نظر می‌رسد. انتشار این ویژه‌نامه از سوی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، گامی آغازین در این بحث و مسایل و چالش‌های مرتبط با آن است و امید می‌رود این اقدام در آینده‌ای نزدیک فرصت و مجال لازم برای طرح رویکردها، فرایندها و ابزارهای مطرح در این زمینه را به‌وجود آورد ■

منابع

- Gill, S.E., et al. (2008). Characterizing the urban environment of UK cities and towns: A template for landscape planning, *Landscape and Urban Planning*, 87: 210-222.
- Laurance, W.F., (1997). Responses of mammals to rainforest fragmentation in tropical Queensland: a review and synthesis. *Wildl. Res.* 24:312:603.
- Saunders, D.A., Hobbs, R.J., Margules, C.R., (1991). Biological consequences of ecosystem fragmentation: a review. *Conserv. Biol.* 5 (1): 18:32.
- Schrijnen, P.M. (2000). Infrastructure networks and red-green patterns in city region, *Landscape and Urban Planning*, 48:191:204.
- Serrano, M, et al. (2002). Landscape fragmentation caused by the transport network in Navarra (Spain): Two-scale analysis and landscape integration assessment, *Landscape and Urban Planning*. 58:113:123.